

دکتر هرازدقو کاسیان

## شاعران ارمنی زبان ایرانی

مارکار قرا بگیان (DEV)



مارکار قرا بگیان معروف به DEV در سال ۱۹۰۱ در تهران در خانواده‌ای

سرشناس بدنیا چشم‌گشود .

تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس ملی ارمنه تهران و جلفای اصفهان طی

کرده است و تا این زمان دو بار، ابتدادر سال ۱۹۴۹ و دیگر بار در سال ۱۹۵۸ به اروپا و کشورهای خاورمیانه مسافرت کرده است.

از اول جوانی اشتیاق شدید خود را نسبت به هنر و ادبیات نشان داد. و دیری نگذشت که در شعر و نقاشی توفیق و شهرت بسیار یافت. او از سال ۱۹۱۷ به نوشتن آغاز کرد و نخستین اثرش را در سال ۱۹۲۳ در نشریه «نورپادگام» که انجمن ادبی «اندیشه» آن را بطبع میرساند و خود سردبیر آن بود بچاپ رساند. و اما اولین مجموعه شعر وی در سال ۱۹۴۷ به نام «ترانه‌های من» در تهران انتشار یافت. و سپس با انتشار دومین مجموعه خود با نام «این راه طولانی» که از طرف «سازمان انتشارات نویسندگان ارمنستان» به چاپ رسید، شخصیت شعری ارجمند خویش را نشان داد. دو از آنجا که بزبانهای فارسی، روسی، انگلیسی و فرانسه آشناست، آثاری از نویسندگان این کشورها را نیز بزبان ارمنی برگردانده است و بخصوص ترجمه نمایشنامه «مادرگان چه هنگام باید بیدار شویم» اثر هنریک ایبسن از میان ترجمه‌های او بسیار معروفست.

اشعار دو، از شعرهای «واهان دریان» غزلسرای نامی ارمنی بهره‌ها برده است اما بهره‌ای که هیچگاه نشان تقلید ندارد. بلکه همچون اشعار آن شاعر غنائی بزرگ همواره موجد حال و شور و اندوه و سرور است. آنچه آنکه از روی بسیاری از شعرهای وی بواسطه همین خصوصیات و نیز موسیقی کلامی که در مجموع کلمات شعریش جریان دارد، آهنگ‌های زیبایی ساخته شده است. آهنگ هائی که ابتدا به دست «نیکول گالانداریان» آهنگساز معروف ارمنی انجام گرفت و اندک اندک شهرت جهانی یافت.

شعر دو شعر است کاملاً تصویری و عینی، و این شعر بیشتر از آن روست که وی از نقاشان چیره دست هم محسوب میشود و این مختصه آنچنان واقعیت دارد

که گوئی او با رنگ و خط ، شعر میکویید و با کلمه و آهنگ کلام ، نقاشی میکند .

ترجمه برگزیدهای از اشعارش

### «افسوس»

بر برگ های بید مجنون بنگر ، که در زیر باران فرو خواهند ریخت و فردا بر فراز شاخه ها نخواهند بود . فردا همه جا و همه جا را شبی سرد فرا خواهد گرفت و برگها نوید بر روی گلها خواهند مرد .

چگونه بیاد نیاورد ، چگونه بر شب بهاران افسوس نخورد چگونه میتوان ژاله شامگاهی را بر شاخساران به یادداشت چگونه میتوان گردش ایام شیرین ترا نا دیده گرفت و چین هائی را که برگونه هایت نقش می بندد . چگونه اندوهناک نشد ، چگونه بجزریان زندگی گوش فرا نداد ، چگونه دیدگان غمناک را به سپیده دم سرخفام ندوخت ، چگونه بادستانی استخوانی به این زندگی گذران نیاویخت به این زندگی گذران ، اگر چه همواره فریبنده ، همواره خوار و همواره بیهوده بوده است . آ . . . چگونه و چسان برخلاف اراده تست ، جدا شدن و رفتن همچون برگ های وزان و لرزان خزانی همچون پروانه يك روزه ، بال ها را گشودن و نا آمده رفتن بی بازگشت ، بی نشان .

### این راه طولانی

من در این جاده های جدید ، گاه در خواب و گاهی گوئی در بیداری ، چها که ندیدم . بحرانیهای مرگزا ، ضربات روح و سوزی و هیجانی به وسعت اقیانوس ها . دریا های آبی سرشار از نور و شنزارهای سوزان دیدم ، از بلندترین ابرها برگزیدم و از آسمانهای زلال و بیکران دیدار کردم .

از دیارهای آفتابی ، دشت های پر گل ، رنگین کمان نورانی ، کوه های سربفلك

کشیده و پوشیده از برف ، از زرفنای دره‌ها و رودهای خروشان دیدار کردم .  
 از پرندگان خوش خط و خال ، از شیران مهیب و آهوان نجیب ماران زهر آلود  
 و افعیان خشمگین و درآبهای سیمین ، از ماهیان زرین دیدار کردم .  
 من از کاخهای مرمرین ، از درختزاران مینوی ، تندیس های اندیشمند و  
 فرشته اندام و از آنهمه طلا که شما ندیده اید دیدار کردم .  
 شهر و جنگل ، جزیره و کاخ ، همه گونه نفاس و همه گونه اشیاء همه جا رفتم ،  
 همه را شناختم ، و این جاده‌های طولانی ، قلبم را زخمین کرد . من دنیا را زیبا دیدم ،  
 و در زیباییهایش سم و سوگ و عذابی رعشه آور ، و انسانیتی بینوا ، جاودانه در رنج .

### غمگینی

امشب این اطاق خاموش تا چه حد سنگین است ، تا چه حد تاریک و تا چه حد  
 تپی و سرد و تا چه حد ، بی دوست داشتن ، غم انگیز است نشستن ، دیر زحانی نشستن ،  
 دیرگاه و بی هدف .  
 و تا چه حد اندوهزاست ، یادآوری روزی از گذشته ها ، روزی که کسی با تو  
 نزدیک و صمیمی بوده است ، کسی که ترا با عشقی تابناک نوازش کرده ، و چشمان نمناک  
 و لطیف ترا بوسیده است .

در حدود ۱۴۰۰ ق . م . فراغت مصر در شهر بزرگ ( تبت ) برای ایمان  
 بخدای ( عامون ) که معبود آن شهر بود اهمیت بسیار قائل بودند و  
 آنانرا در غالب بلاد مصر با خدای ( رع ) ترکیب کرده هر دو را چنانکه  
 با هم ( عامون - رع ) میپرستیدند . ( تاریخ ادیان )